

طَبَقَاتِ جَنُونِ

پرویز اسلامپور

«تولد: هزار و سیصد و بیست و دو، مردادماه، در تهران. نام پدر: کریم. نام مادر: ملوک. تاریخ مرگ: هزار و سیصد و هشتاد. دلیل مرگ: خودکشی...»

این سرآغاز، آغاز دست خطی است از پرویز اسلامپور، شاعری از شاعران «شعر دیگر». شاعری که یازده سال پیش از جاودانگی‌اش، وصیت‌نامه‌یی نوشت خطاب به خود، به خود دیگرش و خود دیگرانش. همان خودی که پس از پایان این دست خط، از بودن دست نکشید؛ ماند و به مرگ تن نداد. تا زمستان سال هزار و سیصد و نود و یک، تا شصت و نه سالگی خودش را ادامه داد؛ شاعر بودن خودش را و دیگر بودنش را. او به مرگی طبیعی درگذشت، اگرچه هیچ مرگی طبیعی نیست.

زیست شاعرانه‌ی او، در خانه‌ی زیرشیروانی کوچکی در میانه‌ی پاریس، میان انبوه خلوت خودخواسته، به دور از های و هوی بیرونی‌ی شعر، با فروتنی پایان یافت؛

آری عزیزم همین است جهان سرنوشت بیاید و بس کند^۲

در اندازه‌ی زندگی و مرگ پرویز اسلامپور، پایه‌گذاری «شعر دیگر» است به همراه چند شاعر، مشارکت در تألیف و امضاء بیانیه‌ی «شعر حجم»، چاپ کتاب «وصلت در منحنی سوم»، چاپ کتاب «نمک و حرکت ورید»، چاپ کتاب «شعرهای جانور سیاه چاق»^۳، چاپ کتاب «پرویز اسلامپور»، نوشتن یادداشت‌هایی در مجله‌های ادبی دهه‌ی چهل شمسی، همکاری با خانه‌ی فرهنگ ایران در پاریس، پیوستن به سیمین، پدر «لیلی» و «نیما» شدن، ترک ایران، جدایی از سیمین، پیوستن به «آن‌وی»، خواستن ماندن در فرانسه،

۱. برگرفته از شعری از همین کتاب

۲. سطرهای از یک شعر، از برکنده‌نویسی‌ها

۳. در چندین نسخه‌ی موجود از فهرست کتابنویسی پرویز اسلامپور به قلم خود او، نام‌های کتاب‌های منتشر شده‌اش چنین آمده: وصلت در منحنی سوم، نمک و حرکت ورید، شعرهای جانور سیاه چاق و پرویز اسلامپور. برای آشنایان شعر او، شعرهای جانور سیاه چاق، نامی ناآشناست، در ابتدای کتاب یاد شده، می‌خوانیم: «بنا به گزارش کتابشناسی ملی ایران، کتابخانه ملی اسفندماه یکهزار و سیصد و چهل و نه» از کتاب شعرهای جانور سیاه چاق، سه نسخه اورژنرال منتشر شده.

در حاشیه‌ی نام این کتاب، در آخرین فهرست کتابنویسی به قلم شاعر آمده: منتشر شده در روزن. این کتاب شامل ۲۲ شعر است و محتوای آن در آینده منتشر خواهد شد.

بسیار نوشتن و چاپ نکردن... هم‌کاری با هنر‌سرای پومیپدو، برگرداندن شعرهای خود به فرانسه به کمک همسر و دوست دیرینش «پی‌یر بورشه»، بسیار نوشتن و چاپ نکردن... سرپرستی از کودکی به نام «میکائیل»، بیماری «آن»، جدایی «آن» از پرویز و مرگ «آن»، بسیار نوشتن و چاپ نکردن... تنها شدن و بسیار تنها‌تر شدن، و گم و کم و گاه، نوشتن...

«که بی‌تردید حرکت نوشت در هر کلمه‌ی شعر بازنگفتن شورش است شربی‌کناره خود به بی‌کرانه دیگر انسان شاعر دستها اگر شکل نمایان درد نیرویی که هر کلمه‌ی شعر را به جنبش می‌آورد اینگونه بودن شاعر شکل کامل کلام باید باشد»^۱

فرشته‌ی پیشترها

اشعار «فرشته‌ی پیشترها» در بسیار پیشترها سروده شده؛ سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷. شعرهایی‌ست برای لیلی، دختر شاعر. طرح روی جلدی که شاعر برای این دفتر برگزیده، نگاره‌ی بی‌ست کودکانه به قلم لیلی در دوران کودکی‌اش. «فرشته‌ی پیشترها» از نظر تاریخ سرایش، بر آثار منتشرنشده‌ی شاعر، از جمله‌ی متقدمین است. شعرهای جداگانه‌ی نیز از آغاز دهه‌ی پنجاه تا سال ۱۳۵۴ وجود دارد که برای رسیدن به نسخه‌ی نهایی به جستار بیشتری برای بازبینی نیاز دارد، چرا که وجود نسخه‌ها و ویرایش‌های گوناگون، کار را دشوارتر از آن کرده که در این مجال، در برابری‌ها به نسخه‌ی نهایی و قطعی شعرها دست یابم. شعرهای این دفتر و سه دفتر جداگانه‌ی گردآمده در کتاب، با وجود ناخوانایی گاه‌به‌گاه حرف‌ها و یا پخش شدن جوهر، کلماتش دسترس‌پذیر بود و از همین روی، واژه‌ها بی‌کم و کاست در کتاب آورده شده است. نسخه‌های موجود نشان می‌دهد که وسواس و دقت، شاعر را بر آن می‌داشته که با گذشت سال‌ها از سرایش یک شعر، در بازبینی آن تردیدی نکند؛ از حروف بکاهد یا بیافزاید تا کمال شعر را در فرم با عصاره‌ی کلمه در معنا، درآمیزد.

برای شناساندن بهتر اسلامپور و تأکید بر درک ظرافت‌های او، به نمونه شعری از این مجموعه اشاره می‌کنم؛ شعری که به درستی هوش او در گذار به لایه‌های پنهان معنا و پرهیز از آسان‌نویسی را به رخ می‌کشد؛

روزی یکی را گفتم

اوّل نور

آنگاه ایستاده‌ام

سالم‌است دیگر قسم می‌دهند به‌همی پیامبران و

به آنان از چیزها چیزی نمی‌گویم

شکل پیشین این شعر پیش از ویرایش نهایی چنین بوده:

روزی یکی را گفتم

اوّل نور

را خداوند نصیحتم کرد بسکوت

ایستاده‌ام دیگر زیر

آفتاب سالم‌است قسم می‌دهند به‌همی

پیامبران هم اما

بکسی از چیزها ندارم چیزی

بگویم آخر نور

را

در بخش دوم همین دفتر، شعری هست که به دو شکل نوشته شده، و او میان آن دو گزینشی نتوانسته. از همین روی هر دوی این را به عنوان نمونه‌هایی خوب از معرفی چندوجهی بودن نگاه شاعر می‌آورم؛

۱. سطرهایی از یک یادداشت، از برانکده‌نویسی‌ها